# از نگاه آفتاب: سیمای حسین در احادیث پیامبر علیهماالسلام

## مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف اللّه، 1297 .

عنوان و نام پدیدآور : از نگاه آفتاب: سیمای حسین در احادیث پیامبر علیهماالسلام / لطف اللّه صافی گلپایگانی .

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدّس جمکران ، 1390 .

مشخصات ظاهری : 55 ص

شابک : 6 316 973 964 978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : حسین بن علی علیه السلام ، امام سوم، 4 61ق.

موضوع : محمد صلی الله علیه و آله ، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت 11 ق. احادیث

موضوع : واقعه کربلا، 61 ق.

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : 1390 4الف 2ص/4/41BP

رده بندی دیویی : 953/297

شماره کتابشناسی ملّی : 2330425

ص: 1

## اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

ص: 2

ص: 3

از نگاه آفتاب

سیمای حسین علیه السلام در احادیث پیامبر

حضرت آیت اللّه العظمی

آقای حاج شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ص: 4

از نگاه آفتاب

نام کتاب: از نگاه آفتاب

مؤلف: آیت اللّه لطف اللّه صافی گلپایگانی

صفحه آرا: امیرسعید سعیدی

ناشر: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

چاپخانه و شمارگان: پرستش / 2000 جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اوّل / تابستان 1390

قیمت: 600 تومان

شابک: 6 316 973 964 978

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

تلفن و نمابر: 7253700 ، 7253340 0251

قم صندوق پستی: 617

ص: 5

فهرست مطالب

فصل اوّل: سرور جوانان••• 7

فصل دوم: او از من است••• 9

خدا او را دوست دارد••• 11

او را می بوسید••• 12

او را دوست دارم••• 12

گریه مکن••• 13

فصل سوم: ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله ••• 15

ظهور مهربانی••• 16

روی سینه پیامبر صلی الله علیه و آله ••• 18

بوسه شیرین پیامبر صلی الله علیه و آله ••• 19

بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله ••• 19

فصل چهارم: شرط دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله ••• 21

فصل پنجم: معیار بهشت و دوزخ••• 23

فصل ششم: در جوار آفتاب••• 27

فصل هفتم: کیست او را یاری کند؟••• 29

او را واگذاردند••• 30

فصل هشتم: صاحبان بهشت••• 33

ص: 6

فصل نهم: از نسل حسین علیه السلام ••• 35

نهمین فرزند••• 36

فصل دهم: میوه درخت نبوت••• 39

فصل یازدهم: ودیعه پیغمبر صلی الله علیه و آله ••• 41

فصل دوازدهم: خواسته پیامبر صلی الله علیه و آله از خدا••• 43

حسین یعنی چه؟••• 44

فصل سیزدهم: وارث آفتاب••• 47

میزان اعتدال••• 48

ارثیه پیامبر••• 49

فصل چهاردهم: اشک پیامبر بر حسین علیه السلام ••• 51

خاک سرخ••• 52

صبور باش!••• 53

اینجا کربلاست••• 54

تربت خونین••• 54

ص: 7

## فصل اوّل: سرور جوانان

ص: 8

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: فرشته ای آسمانی که مرا دیدار نکرده بود از خدا برای زیارتم اذن خواست، پس به من مژده داده که:

... وَاَنَّ الحَسَنَ وَالحُسَیْن سَیِّدا شَبابِ اَهْلِ الْجِنَّهِ وَاَبُوهما خیْرٌ مِنْهُما؛[(1)](#content_note_8_1) ... و حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت می باشند و پدرشان از آنها بهتر است.

1- امالی طوسی، ج 1، ص 92.

ص: 9

## فصل دوم: او از من است

### اشاره

ص: 10

رسول خدا صلی الله علیه و آله حسنین علیهماالسلام را بسیار دوست می داشت و نسبت به آنها فوق العاده اظهار علاقه و عطوفت می کرد. روایات و تواریخ بر این اتّفاق دارند که آن حضرت نسبت به علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام از تمام مردم، کسان و نزدیکان خود اظهار مودت بیشتری می نمود. دوستی آنها یک دوستی ساده پدر نسبت به فرزند نبود؛ بلکه ریشه در علایق، مبانی عمیق و یگانگی روحی داشت، و نشانه یک اتحاد و اتصال ناگسستنی معنوی و توافق کامل فکری بود؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود:

أَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سالَمْتُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبْتُمْ؛[(1)](#content_note_10_1)

من با هرکس که با شما در صلح و سازش باشد، در صلح و سازشم. و با هرکه با شما در جنگ و نبرد باشد، در جنگ و نبرد هستم.

یک اتّصال واقعی روحی، و هم فکری تمام عیار و یگانگی خالص لازم است تا پیغمبر صلی الله علیه و آله آن را این گونه شرح دهد. جمله «أَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سالَمْتُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبْتُمْ» به این نکته صراحت دارد که طرز تفکّر، سلوک و روش آنها با تفکّر و سلوک و روش پیغمبر صلی الله علیه و آله یکی است، و هیچ گونه تفاوتی ندارد. و به مثابه کردار، رفتار، جنگ و صلح رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

هنگامی که این اخبار را مطالعه می کنیم و از شدّت علاقه و دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام آگاه می شویم، باید توجّه داشته باشیم که گوینده این کلمات و الفاظ، رسول خدا صلی الله علیه و آله است. او کسی است که در دوران حیات

1- سنن ابن ماجه، ج 1، باب فضل اصحاب رسول اللّه صلی الله علیه و آله ، ص 65؛ سنن ترمذی، ج 13، ص248.

ص: 11

خویش با تملّق و گزافه گویی و سخنان دور از حقیقت مبارزه داشت، و همیشه سخنان و کارهایش برای بشر حجّت، قانون و شریعت بود، و آنچه فرموده، بیان و ترجمان حقیقت است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله غیر از فاطمه علیهاالسلام دختران دیگر، و غیر از علی علیه السلام نیز عموزاده ها و خویشاوندان بسیاری داشت، پس چرا این همه اظهار علاقه و محبّت، مخصوص فاطمه علیهاالسلام و علی علیه السلام و فرزندان آنها بود؟ و چرا پیغمبر صلی الله علیه و آله از میان همه کسان و اصحاب خود، آنها را برگزید؟ زیرا این چهار تن، نماینده صفات، روحیات، اخلاق و کمالات او بودند.

### خدا او را دوست دارد

از جمله احادیثی که از دوستی و علاقه پیغمبرث حکایت می نماید، حدیث یعلی بن مرّه[(1)](#content_note_11_1) است. یعلی بن مرّه روایت می کند: روزی اصحاب در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله به مجلس میهمانی رهسپار شدند، ناگاه به حسین علیه السلام برخورد نمودند که در کوچه بازی می کرد. پیغمبر صلی الله علیه و آله جلوی همراهان رفت و دست های خود را گشود، کودک از این سوی به آن سوی می گریخت و پیغمبر صلی الله علیه و آله او را می خندانید تا وی را گرفت؛ پس یک دست بر زیر چانه حسین علیه السلام و دست دیگر را پشت سر او گذارد و او را بوسید و فرمود:

1- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 65؛ مصابیح السنه، ج 2، ص 281؛ ترمذی، ج 13، ص 195 و 196؛ اسدالغایه، ج 5، ص 130 و 574 و ج 2، ص 19؛ کنز العمال، ج 6، ص 233 و ج 3 ص 395؛ مطالب السؤل، ص 71.

ص: 12

حُسَیْنٌ مِنّی وَاَنَا مِنْهُ اَحَبَّ اللّه ُ مَنْ اَحَبَّ حُسَیْنا اَلْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ سِبْطانِ مِنَ الاَسبْاطِ؛[(1)](#content_note_12_1)

حسین از من است و من از حسینم. خدا دوست دارد کسی را که حسین را دوست داشته باشد. حسین، سبطی از اسباط است.

و نیز همین حدیث شریف را بخاری، ترمذی، ابن ماجه و حاکم به این لفظ روایت می نمایند.

شرباصی بعد از آنکه از قاموس نقل می کند که:

حُسَیْنٌ سِبْطٌ مِنَ الاْءَسْباطِ وَأُمَّهٌ مِنَ الاْءُمَمِ

می نویسد: «معنای "سبط"، جماعت و قبیله است و شاید معنای حدیث این باشد که: حسین علیه السلام در رفعت و بلندی مقام، مرتبه یک امّت را دارد؛ یا اینکه اجر و ثواب کاری که از او صادر شده، به اندازه اجر یک امّت است».[(2)](#content_note_12_2)

### او را می بوسید

پیغمبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیهاالسلام می فرمود:

اُدْعِی لِی اِبْنَیَّ فَیَشُمُّهُما وَیَضُمُّهُما إِلَیْهِ؛[(3)](#content_note_12_3)

پسرهایم را برایم بخوان (صدایشان کن تا پیش من بیایند)، پس آنها را می بویید و به خود می چسبانید.

### او را دوست دارم

در آثار دوستی حسین علیه السلام ، همین بس که خاتم پیامبران فرمود:

1- الجامع الصغیر، ج 1، ص 148؛ کنز العمال، ج 6، ص 223، ح 3953؛ امالی الشریف المرتضی، ج 1، ص 219.

2- حفیده الرسول، ص 40.

3- ذخائر العقبی، ص 143؛ نور الابصار، ص 114.

ص: 13

اَللّهُمَّ إِنِّی أُحِبُّ حُسَیْنا فَأَحِبَّهُ، وَأَحِبَّ مَنْ یُحِبُّهُ؛[(1)](#content_note_13_1)

خدایا! من حسین را دوست می دارم، پس دوست بدار او را و هرکس که او را دوست می دارد.

ابن ابی شیبه نیز از آن حضرت روایت کرده که فرمود:

اَلّلهُمَّ إِنِّی أُحِبُّهُما فَأَحِبَّهُما وَأَبْغِضُ مَنْ یُبْغِضُهُما؛[(2)](#content_note_13_2)

خدایا! من حسن و حسین را دوست می دارم، پس دوست بدار آنها را، و دشمن بدار هرکس که آنها را دشمن می دارد.

صبان از ابوهریره روایت می کند که گفت:

رَأیْتُ رَسُولَ اللّه ِ یَمْتَصُّ لِعابَ الْحُسَیْنِ کَما یَمْتَصُّ الرَّجُلُ التَّمْرَهَ؛[(3)](#content_note_13_3)

دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله آب دهان حسین را می مکید همان گونه که مرد خرما را می مکد.

### گریه مکن

در حدیث است که: پیغمبر صلی الله علیه و آله از خانه عایشه بیرون آمد. پس از کنار خانه فاطمه علیهاالسلام عبور کرد، صدای گریه حسین علیه السلام را شنید و فرمود:

أَلَمْ تَعْلَمِی أَنَّ بُکآءَهُ یُؤْذِینِی؛[(4)](#content_note_13_4)

آیا نمی دانی گریه او مرا آزار می دهد؟!

1- کنوز الحقایق، ج 1، ص 44.

2- کنوز الحقایق، ج 1، ص 44.

3- اسعاف الراغبین، ص 182.

4- ذخائر العقبی، ص 143؛ نور الابصار، ص 114.

ص: 14

ص: 15

## فصل سوم: ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله

### اشاره

ص: 16

یکی از مظاهر محبّت و عاطفه پدر و مادر، نسبت به فرزند، بوسیدن او است. در جاهلیت، و پیش از ظهور آفتاب درخشان هدایت اسلام، ارزش عاطفه و احساسات پاک انسانی مخصوصا در عرب ها از میان رفته بود. رَحم، مهر، رأفت، رحمت و رقَّت قلب را یک نوع ضعف نفس شمرده و سنگدلی را افتخار می دانستند. وحشتناک ترین مظهر قساوت قلب و سقوط عواطف، همان زنده به گور کردن دختران بود، که پدران با دست خود دختران خود را زنده در گور می کردند.

بوسیدن فرزند، و اظهار عاطفه نسبت به او عار و ننگ شمرده می شد، به ویژه اگر فرزند، دختر بود. اگر کسی فرزند خود را می بوسید، دیگران از کار او متعجّب می شدند.

گردن کشان و متکبّران، بوسیدن طفل و به دوش سوار کردن او را به دور از ابهت و حشمت می دانستند. اینان با ریاکاری و تشریفات، خود را در نظر مردم بزرگ نشان می دادند.

### ظهور مهربانی

رحمهٌ للعالمین محمّد صلی الله علیه و آله از ریا و نفاق مبرّا بود و مانند یک فرد عادی زندگی می کرد. بسط رحمت، مهر، احسان، محبّت نسبت به همه مردم، بشردوستی، ایثار و هدایت عقل و احساسات، جزو برنامه های مهم دعوت او بودند.

همان گونه که نسبت به مردم، مظهر تمام و کمال عواطف عالی انسانی بود، عاطفه پدرانه اش نسبت به فاطمه زهرا علیهاالسلام و فرزندان او نیز در حدّ کمال بود.

ص: 17

وجود حسن و حسین علیهماالسلام را امتداد وجود خود، و بقا و زندگی آنها را بقای زندگی خود می دید.

دکتر بنت الشاطی، بانوی دانشمند مصری و استاد دانشگاه عین الشمس در مورد شدّت حبّ و عاطفه پیغمبر صلی الله علیه و آله نسبت به فرزندان دخترِ عزیزش زهرا علیهاالسلام ، فصل بلیغی نگاشته و در ضمن آن می نویسد:

«پیغمبر صلی الله علیه و آله از روزی که به مصیبت مرگ خدیجه، یگانه همسر عالی قدرش مبتلا شد، تا سال سوم هجرت غیر از ابراهیم که او هم عمر کوتاهی داشت صاحب فرزندی نشد، و در مدّت هفده سال بعد از خدیجه با اینکه با زنان متعدد ازدواج نمود؛ امّا هیچ یک را از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرزندی روزی نگشت.

بر همه آشکار بود که نسل پیغمبر صلی الله علیه و آله باید از فاطمه زهرا علیهاالسلام باقی بماند، پس تعجّبی ندارد اگر دل پیامبر صلی الله علیه و آله از حبّ و مهر فرزندان فاطمه علیهاالسلام پر باشد و با تمام وجود به آنها عشق بورزد. دل نبی صلی الله علیه و آله برای دو فرزند عزیز فاطمه گشوده شد، و آن ها را به تمام عاطفه پدرانه ای که دل بزرگ و وسیع او داشت، فراگرفت و به آنان انس یافت. نام حسن و حسین علیهماالسلام برای پیغمبر صلی الله علیه و آله آهنگ خوش و صدای دل نوازی بود که هیچ گاه از تکرار آن خسته نمی شد، آنها را پسران خود می خواند. و با اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله خارج از خانه فاطمه علیهاالسلام می زیست؛ امّا دلش در خانه زهرا علیهاالسلام سیر می کرد.

خداوند، زهرا علیهاالسلام را به نعمتی بسیار بزرگ برگزید. با عنایت پروردگار، ذرّیه پیغمبر صلی الله علیه و آله منحصر در فرزندان زهرا علیهاالسلام شد. خدا علی علیه السلام را به این

ص: 18

کرامت مخصوص گردانید که نسل خاتم الانبیاء را در صلب او گذارد و از این شرف، عظمت جاودانی و پایداری و عزّت همیشگی را به علی علیه السلام اختصاص داد.

زهرا علیه السلام از میان تمام دختران پیغمبر صلی الله علیه و آله باقی ماند تا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزندی داشته باشد که او را پدر بخواند، و فرزندان زهرا علیهاالسلام باقی مانند تا پیغمبر صلی الله علیه و آله از تکرار نام شیرین و لفظ گوارای "پسرانم" لذّت ببرد».[(1)](#content_note_18_1)

### روی سینه پیامبر صلی الله علیه و آله

ابوهریره می گفت: این چشم هایم دید و گوش هایم شنید که پیغمبر صلی الله علیه و آله هر دو دست حسین را گرفته بود و پاهای حسین بر روی پاهای پیامبر صلی الله علیه و آله بود، رسول خدا می فرمود:

تَرَقَّ عَیْنَ بَقَّه؛[(2)](#content_note_18_2)

برو بالا؛ کوچولوی من.

حسین بالا رفت تا پاهایش را بر سینه پیغمبر گذارد، پس پیغمبر فرمود: «دهان باز کن!» پس بوسیدش و سپس گفت:

اَللّهم اَحِبَّهُ فَانّی اُحِبُّهُ؛

خدایا! او را دوست بدار؛ زیرا من او را دوست می دارم.

1- بنات النبی، ص 244253، ترجمه به اختصار و نقل به معنا.

2- استیعاب، ج 1، ص 182 و 383. "حزقّه" (به فتح حاء و ضمّ زاء، یا به ضمّ هر دو) چنانچه در قاموس گفته، به کسی گویند که به واسطه ضعف یا خردی و کوچکی، قدم هایش کوتاه و به هم نزدیک باشد. و "تَرَقَّ" به معنای "اصعدْ" است؛ یعنی بالا برو. و "عَیْنَ بَقَّه" کنایه از کوچکی جسم و خردی جثّه است. این جمله را عرب هنگام اظهار ملاطفت و مزاح با طفل و به نشاط آوردن او می گوید. (به نقل از علائلی)

ص: 19

علائلی می نویسد: "عینَ بَقَّه" کلمه ای است که در روح طفل، طراوت، سبکی و ملاحت می آورد.

### بوسه شیرین پیامبر صلی الله علیه و آله

پیغمبر صلی الله علیه و آله حسین علیه السلام را با آن لب های مبارکش، با بوسه ای شیرین و لذیذ می بوسید؛ چون جانش گنجینه معانی و حقایق بزرگ بود.

و آن گاه که می فرمود:

اَللّهم أَحِبَّهُ فَإِنِّی أُحِبُّهُ؛

خدایا! او را دوست بدار؛ زیرا من او را دوست می دارم.

در حالی که به حسین علیه السلام اشاره می کرد، به مردم نقل می فرمود:

أَنَا هُنا؛ من اینجا هستم؛ (یعنی: مرا پیش حسین علیه السلام بجویید).

علائلی ادامه می دهد: «فرق حبّ و عاطفه این است که: عاطفه کمتر از حبّ بوده و شرایط محبّت در آن ملاحظه نمی شود؛ امّا حب زمانی هویدا می گردد که محبوب برگزیده باشد، و پیغمبر صلی الله علیه و آله حسین را به حقیقت دوستی و حُبّ، دوست می داشت؛ زیرا حسین برگزیده او بود، و خدا حسین را دوست می داشت؛ زیرا که او شفق آفتاب نبوّت بود».[(1)](#content_note_19_1)

### بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله

جمعی از اهل سنّت مانند ابن حجر عسقلانی از ابوهریره، عبد اللّه و بغوی از شداد بن الهاد، و ابی نعیم در حلیه از ابن مسعود، و ابی حاتم از

1- سموّ المعنی سموّ الذّات، ص 76 و 77.

ص: 20

عبداللّه، و جابر و ابن ابی الفراء از انس، نوازش و اظهار محبّت پیغمبر صلی الله علیه و آله به حسن و حسین علیهماالسلام را روایت کرده اند.[(1)](#content_note_20_1)

از این احادیث استفاده می شود که آن حضرت همیشه حسنین علیهماالسلام را به دوش می گرفت؛ آنان در حال نماز و در حالات دیگر بر کتف آن حضرت می نشستند و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله کمال لطف و مهربانی را نسبت به آنها ابراز می داشت. و از بعضی احادیث همچون "حدیث انس"، شدّت محبّت پیغمبر صلی الله علیه و آله به آنها، و توبیخ سخت نسبت به کسی که قدر و منزلت آنها را نشناسد، استفاده می شود.

ابوسعید در شرف النبوه روایت نموده: پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که حسن و حسین علیهماالسلام به سوی او آمدند. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را دید، به خاطر ایشان برخاست و آمدنشان را دیر شمرد (و فرمود: چرا دیر آمدید؟) پس از آنها استقبال کرد و آنها را بر دوش خود گذارد و فرمود:

نِعْمَ الْمَطِیُّ مَطِیَّتُکُما، وَنِعْمَ الرّاکِبانِ أَنْتُما؛[(2)](#content_note_20_2)

خوب مرکبی است مرکب شما! و خوب سوارهایی هستید شما.

1- الاصابه، ج 1، ص 330، ح 1719؛ الجامع الصغیر، ج 2، ص 118؛ ذخائر العقبی، ص 123 و 132.

2- ذخائر العقبی، ص 130.

ص: 21

## فصل چهارم: شرط دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 22

احادیث در وجوب دوستی و مودت حسین علیه السلام متواتر است. از جمله این احادیث، حدیث نبوی زیر است:

مَنْ أَحَبَّنِی فَلَیُحِبَّ هذَیْنِ؛[(1)](#content_note_22_1)

هرکس مرا دوست دارد، باید این دو را (نیز) دوست بدارد.

دولابی و احمد بن حنبل از یعلی بن مره روایت کرده اند که: حسن و حسین علیهماالسلام به سوی پیغمبر صلی الله علیه و آله آمدند در حالی که در تشرف به محضر جدّ بزرگوار خود از یکدیگر پیشی می جستند؛ یکی از ایشان، پیش از دیگری رسید، پیغمبر صلی الله علیه و آله دست به گردن او انداخت و او را به سینه خویش چسبانید و بوسید و سپس آن یکی را بوسید، آن گاه فرمود:

إِنِّی أُحِبُّهُما فَأَحِبُّوهُما؛[(2)](#content_note_22_2)

من ایشان را دوست می دارم، پس شما نیز ایشان را دوست بدارید.

1- بحار الانوار، ج 43، ص 275.

2- ذخائر العقبی، ص 123.

ص: 23

## فصل پنجم: معیار بهشت و دوزخ

ص: 24

در روایت نبوی، معیار بهشت و دوزخ در گروِ دوستی و دشمنی با دو دردانه رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر شده است.

اَلْحَسَنُ وَ الحُسَیْنُ مَنْ أَحَبَّهُما فَفِی الْجَنَّهِ، وَمَنْ أَبْغَضَهُما فَفِی النّارِ؛[(1)](#content_note_24_1)

هرکس حسن و حسین را دوست بدارد در بهشت اشت، و هرکس آنها را دشمن بدارد در آتش است.

إِنَّ رِسُولَ اللّه صلی الله علیه و آله اَخَذَ بِیَدِ حَسَنِ وَحُسَیْنِ فَقالَ: مَنْ أَحَبَّنِی وَأَحَبَّ هذَیْنِ وَأَباهُما وَأُمَّهُما کانَ مَعِی فِی دَرَجَتِی یَوْم الْقِیامَهِ؛[(2)](#content_note_24_2)

رسول خد صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین را گرفت، پس فرمود: هرکس مرا دوست بدارد و دوستدار این دو و پدر و مادرشان باشد، در روز قیامت با من در درجه من خواهد بود.

طبرانی از سلمان روایت دارد که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَحَبَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ أَحْبَبْتُهُ، وَمَنْ أَحْبَبْتُهُ أَحَبَّهُ اللّه ُ وَأَدْخَلَهُ جَنّاتِ النَّعِیمِ، وَمَنْ أَبْغَضَهُما أَوْ بَغیَ عَلَیْهِما أَبْغَضْتُهُ، وَمَنْ أَبْغَضْتُهُ أَبْغَضَهُ اللّه ُ، وَأَدْخَلَهُ جَهَنَّمَ وَلَهُ عَذابُ مُقِیمٌ؛[(3)](#content_note_24_3)

1- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 56؛ الاصابه، ج 1، ص 330، ح 1719؛ کنوز الحقائق، ج 2، 94؛ الجامع الصغیر، ج 2، ص 160؛ صواعق، ص 90؛ تاریخ الخلفاء، ص 194؛ مسند احمد، ج2، ص288؛ ذخائر العقبی،ص123 و 124؛ نظم دررالسمطین،ص210؛ مطالب السؤل، ص71.

2- سنن ترمذی، ج 13، ص 176؛ صواعق، ص 187؛ السیره النبویه، ج 3، ص 368؛ کنز العمال، ج 6، ص 216، ح 3782.

3- کنز العمال، ج 6، ص 222، ح 3916.

ص: 25

هرکس حسن و حسین را دوست بدارد من او را دوست می دارم، و هرکس را من دوست دارم خدا او را دوست دارد، و هرکس خدا او را دوست دارد او را داخل بهشت گرداند؛ و هرکس آنها را دشمن بدارد یا بر آنها ستم کند من او را دشمن دارم، و هرکس را من دشمن دارم خدا دشمن دارد و او را داخل جهنم سازد و برای او عذاب جاودان است.

ص: 26

ص: 27

## فصل ششم: در جوار آفتاب

ص: 28

از علی علیه السلام روایت می کنند که پیغمبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیهاالسلام فرمود:

یا فاطِمَهُ إِنِّی وَإِیّاکَ وَهذَا الرّاقِدَ (یَعْنِی عَلِیّا) وَالْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ یَوْمَ الْقِیامَهِ لَفِی مَکانٍ واحِدٍ؛[(1)](#content_note_28_1)

ای فاطمه! من و تو و این کسی که خوابیده (یعنی علی) و حسن و حسین، روز قیامت در یک مکان می باشیم.

طبرانی از ابوموسی روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَنَا وَعَلِیُّ وَفاطِمَهُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ یَوْمَ الْقِیامَهِ فِی قُبَّهٍ تَحْتَ الْعَرْشِ؛[(2)](#content_note_28_2)

من، علی، فاطمه، حسن و حسین روز قیامت در یک قبّه در زیر عرش هستیم.

عمر بن خطاب روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَنَا وَعَلِیُّ وَفاطِمَهُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ فِی حَظِیرَهِ الْقُدْسِ فِی قُبَّهٍ بَیْضآءَ وَسَقْفُها عَرْشُ الرَّحْمنِ؛[(3)](#content_note_28_3)

من، علی، فاطمه، حسن و حسین در حظیره القدس، در قبّه سفیدی که سقف آن عرش الرحمن است، می باشیم.

1- کنز العمال، ج 6، ص 216، ح 3793.

2- کنز العمال، ج 6، ص 217، ح 3798؛ فرائد السمطین، ج 1، ص 36.

3- فرائد السمطین، ج 1، ص 36.

ص: 29

## فصل هفتم: کیست او را یاری کند؟

### اشاره

ص: 30

وجوب یاری حسین علیه السلام از احادیث بسیاری درک می شود. اگر سران مسلمانان، که حکومت یزید را شرعی نمی دانستند؛ مانند ابن زبیر و ابن عمر و دیگران، حسین علیه السلام را یاری کرده بودند تاریخ اسلام غیر از این بود که اکنون هست و اعتراض بزرگی که بر آن مردم وارد است، همین می باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ ابْنِی هذا یُقْتَلُ بِأَرْضٍ مِنَ الْعِراقِ یُقالُ لَها کَرْبَلاءَ، فَمَنْ شَهِدَ ذلِکَ مِنْهُمْ فَلْیَنْصُرْهُ؛[(1)](#content_note_30_1)

به درستی که این پسرم در زمینی از عراق که به آن کربلا گفته می شود، کشته می گردد. پس هرکس او را درک کند باید یاری اش رساند.

### او را واگذاردند

خوارزمی در ضمن خبری طولانی نقل کرده که: حسین علیه السلام به ابن عباس فرمود: «آیا می دانی که من پسر دختر رسول خدا هستم»؟

عرض کرد: «آری! غیر از تو کسی را نمی شناسم که پسر پیغمبر باشد، و یاری و نصرت تو بر این امّت واجب است، آن چنان که روزه و زکات واجب است که یکی از این دو بدون دیگری پذیرفته نشود».

حسین علیه السلام فرمود: «پس رأی تو چیست در حقّ مردمی که پسرِ دختر پیغمبر را از وطن و خانه و جایگاه و زادگاهش، و حرم رسول و جوار قبر پیغمبر و مسجد و محل هجرت آن حضرت خارج نمودند؛ او را بیمناک

1- کنز العمال، ج 6، ص 223، ح 3939.

ص: 31

و سرگردان گذاردند که قرارگاه، منزل و مأوایی نداشته باشد و قصدشان از آن سخت گیری ها، کشتن او و ریختن خونش باشد در حالی که او شرکی به خدا نورزیده و غیرِ خدا را ولیّ امر خود قرار نداده و از روش پیغمبر و جانشینان او تخلف ننموده است؟!»

ابن عباس گفت: «نمی گویم در حقّ آنها مگر آنکه آن کسان، به خدا و پیغمبر کافر شدند و اگر نماز بخوانند، از روی کسالت و ریاکاری است. و بر مثال این مردم عذاب بزرگ تر خدا نازل گردد؛ و امّا تو! ای اباعبداللّه! پس تو سر سلسله افتخار و مباهاتی، تو پسر پیغمبر هستی، تو پسر وصیّ پیغمبر و فرزند زهرا می باشی، زهرایی که همانند مریم بود؛ پس ای پسر رسول خدا! گمان مبر که خدا از آنچه ستمکاران می کنند غافل است، و من گواهی می دهم که هرکس از مجاورت تو و مجاورت فرزندان تو کناره گیری کند، در آخرت، نصیب و بهره ای نخواهد داشت».

حسین علیه السلام گفت: «خدایا گواه باش»!

ابن عباس گفت: «فدای تو شوم! گویا به من خبر از مرگ خودت می دهی و از من می خواهی تو را یاری کنم! سوگند به خدایی که غیر از او خدایی نیست! اگر در پیش روی تو شمشیر بزنم تا شمشیرم بشکند و دست هایم قطع شود، اندکی از حقّ تو را ادا نکرده باشم. هم اکنون من حاضر به خدمت تو هستم هرگونه که صلاح می دانی، فرمان بده».

این خبر طولانی است و در این مجال نمی گنجد؛ امّا در آغاز این خبر عبداللّه بن عمر گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: 32

حُسَیْنٌ مَقْتُولٌ فَلَئِنْ خَذَلُوهُ وَلَمْ یَنْصُرُوهُ لَیَخْذُلَنَّهُمُ اللّه ُ إِلی یَوْمِ الْقِیامهِ؛[(1)](#content_note_32_1)

حسین کشته می شود، پس اگر او را وابگذارند و یاری اش نکنند، خدا آنها را تا روز قیامت یاری نخواهد کرد.

1- مقتل الحسین، ف 10، ص 191 و 192.

ص: 33

## فصل هشتم: صاحبان بهشت

ص: 34

حاکم و ابن سعد از علی علیه السلام روایت کرده اند که پیغمبر صلی الله علیه و آله به او فرمود:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ یَدْخُلُ الْجَنَّهَ أَنَا وَأَنْتَ وَفاطِمَهُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ؛

اوّل کسی که داخل بهشت می شود من، تو، فاطمه، حسن و حسین هستم.

علی عرض کرد:

فَمُحِبُّونا؛ پس دوستان ما (چه)؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

مِنْ وَرآئِکُمْ؛[(1)](#content_note_34_1) به دنبال شما وارد می شوند.

1- صواعق، ص 159؛ ذخائر العقبی، ص 123؛ کنز العمال، ج 6، ص 218، ح 3826.

ص: 35

## فصل نهم: از نسل حسین علیه السلام

### اشاره

ص: 36

حذیفه از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیا إِلاّ یَوْمٌ واحِدٌ لَطَوَّلَ اللّه ُ ذلِکَ الْیَومَ حَتّی یَبْعَثَ رَجُلاً مِنْ وُلْدِی اسْمُهُ کَاِسْمِی؛

اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن روز را طولانی سازد تا مردی از فرزندانم را برانگیزد که هم نام من است.

آن گاه سلمان عرض کرد:

مِنْ أَیِّ وُلْدِکَ یا رَسُولَ اللّه ِ؟؛

از کدام فرزندان توست یا رسول اللّه!

فرمود:

مِنْ وُلْدِی هذا وَضَرَبَ بِیَدِهِ عَلَی الْحُسَیْنِ؛[(1)](#content_note_36_1)

از این فرزندم! و دستش را بر حسین زد.

### نهمین فرزند

سلمان می گوید: بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد شدم در حالی که حسین علیه السلام بر زانوی مرحمت او بود. پیغمبر دهان او را می بوسید و می فرمود: «تو آقا، پسر آقا و پدر آقایانی! تو امام، پسر امام و پدر امامانی! تو حجّت، پسر حجّت و پدر حجّت های نُه گانه ای که از صُلب تو هستند و نهمین ایشان قائم آنها است».[(2)](#content_note_36_2)

حموینی در حدیثی مفصّل و طولانی از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «حسن و حسین علیهماالسلام دو امام امّت من بعد از پدرشان و دو آقای جوانان اهل

1- ذخائر العقبی، ص 136 و 137. بیش از 180 حدیث بر این مضمون دلالت دارد؛ کتاب منتخب الأثر تألیف نگارنده، باب 8 ، ف 2.

2- مقتل خوارزمی، ص 146، ف 7؛ ینابیع الموده، ص 445، موده القربی، در الموده العاشره.

ص: 37

بهشت هستند. مادرشان سیده زنان جهانیان، و پدرشان سیّد الوصیین است. از فرزندان حسین، نُه نفرند که نهمین آنها قائم از فرزندان من است؛ طاعت ایشان طاعت من و معصیت و مخالفت با ایشان، معصیت و مخالفت با من است. از کسانی که فضیلت ایشان را انکار و احترامشان را بعد از من ضایع می نمایند، به سوی خدا شکایت می کنم. خداوند در ولایت کارها و نصرت عترت من و امامان امّت من کفایت می کند؛ او انتقام گیرنده است از کسانی که حقّ آنها را انکار نمایند. وَسَیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ.[(1)](#content_note_37_1)

1- فرائد السمطین، ج 1، ص 42 و 43؛ احادیث در این موضوع متواتر است رجوع شود به منتخب الأثر، تألیف نگارنده، باب 10، ف 2. [همچنین آیه فوق الذکر در سوره شعراء، آیه 227 است].

ص: 38

ص: 39

## فصل دهم: میوه درخت نبوت

ص: 40

جابر می گوید: پیغمبر صلی الله علیه و آله در عرفات بود و علی علیه السلام رو به روی آن حضرت قرار داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله به من و علی علیه السلام اشاره فرمود و ما خدمت او رفتیم، پس فرمود: «یا علی! نزدیک من بیا». علی علیه السلام نزدیک رفت؛ فرمود: «دستت را در دست من بگذار!» سپس فرمود: «یا علی! من و تو از یک درختیم، من اصل و ریشه آن، و تو فرع آن، و حسن و حسین شاخه های آن؛ هرکس به یکی از شاخه های آن متعلّق (آویزان) گردد، خدا او را داخل بهشت نماید. یا علی! اگر امّت من روزه بگیرند به قدری که مثل کمان ها خمیده شوند و نماز بخوانند به قدری که مثل میخ ها خشک و بی حرکت گردند، امّا تو را دشمن بدارند؛ خداوند آنها را به رو در آتش اندازد».[(1)](#content_note_40_1)

گنجی شافعی از خطیب بغدادی در تاریخ خود، از علی علیه السلام روایت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «درختی است که من ریشه و اصل آن، و علی فرع آن، و حسن و حسین ثمره و میوه آن، و شیعه برگ آن هستند. پس آیا بیرون می شود از پاکیزه و طیّب غیر از طیّب و پاکیزه؟»[(2)](#content_note_40_2)

یعنی: فرعِ (میوه و برگ درخت) پاک، پاک و طاهر می باشد. و نظیر این حدیث را از ابوامامه باهلی روایت کرده است.

1- فرائد السمطین، ص 39؛ مقتل خوارزمی، ص 108، ف 6؛ ینابیع الموده، ص 91.

2- کفایه الطالب، ص 98 و 178.

ص: 41

## فصل یازدهم: ودیعه پیغمبر صلی الله علیه و آله

ص: 42

ابن اثیر و سبط ابن الجوزی و طبری نقل کرده اند که: وقتی سرهای شهدا را نزد ابن زیاد آوردند، با شمشیر یا چوب به لب های مبارک امام حسین علیه السلام می زد. زید بن ارقم وقتی دید ابن زیاد دست از این بی ادبی برنمی دارد، گفت: «چوبت را برگیر! قسم به آن کسی که غیر از او خدایی نیست! من در زمانی طولانی می دیدم پیغمبر صلی الله علیه و آله میان این دو لب را می بوسید». زید گریست و ابن زیاد با او درشتی کرد و او را به کشتن تهدید نمود و گفت: «خدا چشمانت را بگریاند! اگر پیر خرفتی نبودی، گردنت را می زدم».

زید از مجلس ابن زیاد برخاست، و می گفت: «مردم! شما از این پس بندگانید (یعنی باید غلام و بنده بنی امیه و کارگزاران آنها باشید) پسر فاطمه علیهاالسلام را کشتید و پسر مرجانه را زمامداری و حکومت دادید. به خدا نیکان شما را می کشند و بَدان شما را بنده می سازند. پس دور باد از عزّت! آن کسی که راضی به ذلّت و عار گردد».

سپس بازگشت و به ابن زیاد گفت: «حدیثی برای تو بگویم که خشم تو از آن بیشتر شود. دیدم پیغمبر صلی الله علیه و آله حسن علیه السلام را بر پای راستش نشانده بود، و حسین علیه السلام را بر پای چپ. پس دست خود را بر سر آنها گذارد و گفت:

اَللّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ إِیّاهُما وَصالِحَ الْمُؤْمِنِینَ؛[(1)](#content_note_42_1)

خدایا! من این دو و صالح المؤمنین (علی علیه السلام ) را نزد تو ودیعه و سپرده گذاردم.

«پس ودیعه رسول خدا صلی الله علیه و آله در نزد تو چگونه است، ای پسر زیاد»؟

ابن زیاد به خشم آمد و تصمیم به قتل زید گرفت.

1- بحار الانوار، ج 118، ص 45.

ص: 43

## فصل دوازدهم: خواسته پیامبر صلی الله علیه و آله از خدا

### اشاره

ص: 44

پیغمبر صلی الله علیه و آله این گونه در حقّ علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام دعا کرد:

اَللّهُمَّ إِنَّکَ جَعَلْتَ صَلَواتِکَ وَرَحْمَتَکَ وَمَغْفِرَتَکَ وَرِضوانَکَ عَلی اِبْراهِیمَ وَآلِ اِبْراهِیمَ. اَللّهُمَّ إِنَّهُمْ مِنِّی وَأَنَا مِنْهُمْ فَاجْعَلْ صَلَواتِکَ وَرَحْمَتَکَ وَمَغْفِرَتَکَ وَ رِضوانَک عَلَیَّ وَعَلَیْهِمْ (یعنی: عَلِیّا، وَفاطِمَهَ، وَحَسَنا وَحُسَیْنا)؛[(1)](#content_note_44_1)

خدایا! تو قرار دادی صلوات، رحمت، مغفرت و خشنودی ات را بر ابراهیم و آل ابراهیم. خدایا! ایشان (یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام ) از من اند، و من از ایشان هستم. پس صلوات، رحمت، آمرزش و خشنودی ات را بر من و بر آنها قرار بده.

### حسین یعنی چه؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله در ضمنِ حدیثی می فرماید: چون خدا آدم را آفرید، آدم علیه السلام در سمت راست عرش، پنج شبح از نور دید که در حال سجده و رکوع هستند. پس پرسید: «این پنج شبح که در هیبت و صورت من اند، چه کسانی هستند؟» خطاب شد: «اینان پنج تن از فرزندان تو هستند که پنج نام برای آنها از نام های خود مشتقّ کرده ام و اگر برای ایشان نبود، بهشت و جهنم، عرش و کرسی، آسمان و زمین، فرشتگان و آدمیان و جنّیان را نمی آفریدم؛ پس من محمودم، و این محمّد است؛ من عالی هستم، و این علی است؛ من فاطرم، و این فاطمه است؛ من احسانم، و این حسن است؛ من محسنم و این حسین است. به عزّتم سوگند یاد نموده ام که هرکس ذرّه ای از کینه ایشان را در دل داشته باشد، او را

1- کنز العمال، ج 6، ص 217، ح 3807.

ص: 45

داخل آتش می کنم. ایشان برگزیدگان من هستند، به ایشان نجات می دهم و به ایشان هلاک می نمایم. هر وقت حاجتی داری به این پنج تن متوسّل شو». پس پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ماییم کشتی نجات! هرکس به آن متمایل شود، نجات یابد و هرکس از آن روی گردان شود، هلاک گردد».[(1)](#content_note_45_1)

در روایتی دیگر، سلمان فارسی روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند برای ما نام هایی از نام های خویش مشتق ساخت؛ پس خداوند عزّوجلّ محمود است و من محمّدم، و خداوند اعلی است و برادرم علی است، و خداوند فاطر است و دخترم فاطمه است، و خداوند محسن است و دو پسرم حسن و حسین می باشند».[(2)](#content_note_45_2)

1- فرائد السمطین، ص 25 و 26 (ترجمه به اختصار).

2- فرائد السمطین، ص 30؛ این گونه احادیث ممکن است اشاره به مقام کمال پنج تن و خمسه طیبه باشد و اینکه آنها مؤدب به آداب الهی، و مربّی به تربیت ربوبی هستند و به اخلاق الهی تخلق دارند و چنان که نام، انسان را به مسمّی می رساند، آنها نیز که اسم های حقّ و مشتق از نام های او هستند ما را به خدا هدایت می کنند و همچنین دلالت بر ارتباط آنها با عوالم غیب دارد، و در روایات است که «نَحْنُ وَ اللّه ِ الأسْماءُ الْحُسْنی»، و اگر چه همه موجودات به این معنا اسم های حقّ هستند امّا این پنج نور مقدّس، مقام شامخ دیگری دارند و دلالت آنها بر مسمی، اظهر و ابین است و امّا این که چرا این پنج نور هر کدام مخصوص به اسمی شده اند؛ شرحش از حوصله این کتاب خارج است.

ص: 46

ص: 47

## فصل سیزدهم: وارث آفتاب

### اشاره

ص: 48

حسن و حسین علیهماالسلام وارث کمالات علمی، روحی، اخلاقی و جسمی پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند. مردم در سیما و رفتار و روش آنها، پیغمبر را می دیدند و عظمت و روحانیت او را تماشا می نمودند. وجود پیغمبر صلی الله علیه و آله نسبت به حسنین علیهماالسلام کانون مهر، شفقت، نوازش، لطف و رحمت پدرانه بود. آنها را دوست می داشت و می بویید و می بوسید؛ زبانشان را می مکید و بر دوش مبارک خویش سوار می کرد و خود، از آنها پرستاری می فرمود؛ آنها را روی سینه خود می خوابانید و از شنیدن نامشان لذت می برد. در کوچه، در خانه، در مسجد، در حضور صحابه و مردم، در هنگام سخنرانی و خطبه و در حال نماز، حسنین علیهماالسلام مشمول مراحم مخصوص پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند.

اخباری در کتب معتبر اهل سنّت است که حکایت از این عواطف پاک دارد. این مهربانی ها در عین حال که نمونه ای از تواضع و فروتنی فوق العاده و سادگی زندگی پیامبر باعظمت اسلام بود، تمرکز عواطف شدید پدرانه او را در حسنین و فاطمه زهرا علیهم السلام نشان می داد. این عواطف از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صادر می شد که در اوج کمالات و در حدّ اعتدال و استقامت بود. محبّت و رضا هیچ گاه او را برآن نمی داشت که از سخن راست و حقیقت، کلمه ای بیشتر بگوید و همین راست گویی، دلیل کمال لیاقت، صلاحیت و شایستگی حسنین بود؛ زیرا تعبیراتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در حقّ آنها می فرمود و اوصافی که در حقّ آنها می گفت، تنها از عواطف و احساسات پدرانه برنمی آمد و معلوم بود که ایشان در سیمای آنها یک سرّ الهی مشاهده می کند.

### میزان اعتدال

برحسب حدیث ثقلین، حدیث دوازده خلیفه، حدیث سفینه و احادیث

ص: 49

بسیار دیگر[(1)](#content_note_49_1)، حسن و حسین علیهماالسلام وارث علوم پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده و هر یک در عصر خود، رهبر حقیقی امّت اسلام و حافظ آفتاب جهان تابِ شرع بودند.

یکی از صفات برجسته امام، وصیّ و جانشین پیغمبر همین است که میزان تعادل و اعتدال امور باشد. امام در حقیقت، مرکزی است که واماندگان راه حقیقت و کُندروها به آن سو سوق داده می شوند تا عقب نمانند و فاصله آنها با امام، که پیشرو قافله خداپرستان است، زیاد نشود و تندروهای افراطی به آن مرکز برگردانده می شوند تا شتاب خارج از حدّ، سبب گمراهی آنها نگردد. و این است حقیقت معنای کلام پیغمبر صلی الله علیه و آله در ذیل حدیث ثقلین، که می فرماید:

فَلا تُقَدِّمُوهُما فَتَهْلِکُوا وَلا تَقْصَرُوا عَنْهُما فَتَهْلِکُوا وَلا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْکُمْ؛[(2)](#content_note_49_2)

بر قرآن و عترت متقدّم نشوید که هلاک می گردید، و از آنها عقب نیفتید که هلاک می شوید، و به عترت چیزی نیاموزید زیرا آنها از شما داناترند.

پس حسین علیه السلام بی تردید وارث علم و کمال پیغمبر صلی الله علیه و آله است و همه مردم به علم و دانش او محتاج هستند.

### ارثیه پیامبر

برحسب روایات متعددی که در کتاب های معتبر نقل شده، فاطمه زهرا علیهاالسلام در هنگامه موت پدر، حسن و حسین علیهماالسلام را نزد آن حضرت آورد

1- ر.ک به امان الأمه، اثر نگارنده که در اثبات حجّیت فقه شیعه، و وجوب رجوع به احادیث امامیّه در احکام نوشته ایم و آن احادیث را ذکر کرده و صحّت اسناد و دلالت آنها را واضح و آشکار ساخته ایم.

2- صواعق، ص 148.

ص: 50

و عرض کرد: «یا رسول اللّه! این دو پسران تو هستند، آنها را به بخشش و عطایی مخصوص فرما؛ یا به آنها چیزی به ارث عطا کن!»

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به حسن علیه السلام عظمت و بردباری می بخشم، و به حسین علیه السلام جود و مهربانی».

و در روایتی دیگر فرمود: «به این بزرگ (یعنی حسن علیه السلام ) مهابت و حلم بخشیدم و به آن کوچک (یعنی حسین علیه السلام ) محبّت و رضا».

در حدیثی دیگر فرمود: «امّا حسن علیه السلام ، پس هیبت و آقایی من برای اوست، و امّا حسین علیه السلام ، پس جود و جرأت من برای او می باشد».[(1)](#content_note_50_1)

این احادیث، گوشه ای از کمالات و خلقیاتی که حسن و حسین علیهماالسلام از جدّ بزرگوار خود به ارث برده اند، را نشان می دهند.

سرّ این تعبیرات به روش های خاصّ حسن و حسین علیهماالسلام ، چگونگی رهبری و برنامه های آنها و تصدیق روش هر دو است، تا مردم بدانند که سرچشمه و منبع این دو روش، بر اساس مأموریت های دینی و تکالیف خاصّی است که پیغمبر صلی الله علیه و آله با وحی الهی، آن دو را به این مأموریت و تکلیف مکلف ساخته است. هر دو روش از روش پیغمبر صلی الله علیه و آله و سیره او جدا نمی باشد؛ از این روست که حسن و حسین جامع تمام کمالات اخلاقی، وارث جدّ و پدر و حافظ دین و قرآن مقدّس بوده اند.

1- نظم درر السمطین، ص 212؛ الاصابه، ج 4، ص 316 481؛ ذخائر العقبی، ص 129؛ صواعق، ص 189؛ کفایه الطالب، ص 277.

ص: 51

## فصل چهاردهم: اشک پیامبر بر حسین علیه السلام

### اشاره

ص: 52

یکی از معجزات بزرگ، روشن و غیر قابل انکار پیامبر صلی الله علیه و آله ، پیشگویی ها و خبرهایی است که آن حضرت از حوادث آینده داده است. معتبرترین اسناد و مدارک تاریخی، این پیشگویی ها را حفظ کرده اند و هرکس با تاریخ اسلام آشنا شود، در حقیقتِ این اخبار شبهه و تردید نمی نماید.

یکی از خبرهای غیبی پیامبر صلی الله علیه و آله ، خبرهایی است که از شهادت حضرت سیّد الشهداء علیه السلام داده است. علاوه بر آن همه احادیثی که از طرق متعدد شیعه روایت شده، در تواریخ و کتب حدیث و تراجم اهل سنّت نیز روایات بسیاری آمده است. این گزارش های تاریخی و احادیث وارد در این کتب، یقینی بودن اخبار غیبی پیامبر صلی الله علیه و آله را تأیید و اثبات می نمایند. مهم تر آنکه این احادیث از نظر معنا و مضمون در حدّ تواتر، بلکه مافوق تواترند.

اکنون برخی از این احادیث را ذکر می کنیم:

### خاک سرخ

احمد بن حنبل از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود:

لَقَدْ دَخَلَ عَلَی الْبَیْتَ مَلَکٌ لَمْ یَدْخُلْ عَلَیَّ قَبْلَها فَقالَ لی: إِنَّ ابْنَکَ هذا حُسَیْنا مَقْتُولٌ، وَإِنْ شِئْتَ أَرَیْتُکَ مِنْ تُرْبَهِ الاْءَرْضِ الّتِی یُقْتَلُ بِها. قالَ: فَأَخْرَجَ تُرْبَهً حَمْرآءَ؛[(1)](#content_note_52_1)

فرشته ای در خانه ای بر من وارد شد که پیش از این بر من وارد نشده بود، گفت: «این پسرت حسین مقتول است و اگر بخواهی، تربت آن

1- صواعق، ص 190.

ص: 53

زمینی که در آن کشته می شود، را به تو نشان می دهم. پس خاک سرخی را بیرون آورد».

### صبور باش!

آن گاه که علی علیه السلام به صفّین می رفت، از کربلا گذر کرد، به محاذی نینوا که دهی در کنار فرات است رسید، ایستاد و از نام آن زمین پرسید، گفته شد: "کربلا است". پس گریست آن قدر که زمین از اشک چشمانش تر شد. (و به روایت عبد اللّه بن یحیی از پدرش که در التزام رکاب علی علیه السلام بود) فرمود:

صَبْرا یا أَباعَبْدِ اللّه ِ! صَبْرا یا أَباعَبْدِ اللّه ِ! صَبْرا یا أَباعَبْدِ اللّه ِ! بِشاطِئِ الْفُراتِ؛

... صبور باش ای اباعبداللّه! صبور باش ای اباعبداللّه! صبور باش ای اباعبداللّه! بر کنار فرات.

پس فرمود: وارد شدم بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در حالی که آن حضرت گریه می گرد. از سبب گریه پرسیدم، فرمود:

کانَ عِنْدِی جَبْرَئِیلُ آنِفا وَأَخْبَرَنِی أَنَّ وَلَدِیَ الْحُسَیْنَ یُقْتَلُ بِشاطِئِ الْفُراتِ بِمَوْضِعٍ یُقالُ لَهُ کَرْبَلاءُ، ثُمَّ قَبَضَ جَبْرَئِیلُ قَبْضَهً مِنْ تُرابٍ شَمَّنِی إِیّاهُ، فَلَمْ أَمْلِکْ عَیْنَیَّ أَنْ فاضَتا؛[(1)](#content_note_53_1)

هم اکنون جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد که فرزندم حسین در کنار فرات کشته می شود در موضعی که به آن کربلا گفته می شود. پس

1- صواعق، ص 191، ذخائر العقبی، ص 148؛ تذکره الخواص، ص 260.

ص: 54

جبرئیل یک مشت از خاک قبض کرد و به مشام من رسانید، پس نتوانستم دیدگانم را از ریختن اشک نگاه دارم.

### اینجا کربلاست

چون حسین علیه السلام به زمین کربلا رسید، پرسید: «این زمین چه نام دارد؟» گفتند: «کربلا، نینوی». حسین علیه السلام گریست و فرمود: «کرب است و بلاء؛ همانا امّ سلمه به من خبر داد که: جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و تو با من بودی، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پسرم را رها کن، پس تو را گرفت و در دامن خود گذارد. جبرئیل گفت: او را دوست می داری؟ فرمود: آری! گفت: امّت تو او را خواهند کشت و اگر بخواهی زمینی را که در آن کشته می شود به تو نشان می دهم. پس جبرئیل زمین کربلا را به پیغمبر صلی الله علیه و آله نشان داد».

چون به حسین علیه السلام گفته شد: اینجا زمین کربلا است، آن را بویید و فرمود: «این است زمینی که جبرئیل به پیغمبر صلی الله علیه و آله خبر داد که من در آن کشته می شوم».[(1)](#content_note_54_1)

### تربت خونین

یعقوبی می نویسد: «اوّل کسی که بانگ ناله اش در مصیبت حسین علیه السلام در مدینه بلند شد، امّ سلمه همسر پیغمبر صلی الله علیه و آله بود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله شیشه ای را که در آن تربتی قرار داشت، به او داد و فرمود: جبرئیل به من اعلام کرده که امّت من حسین علیه السلام را می کشند و این تربت را به من داد. آن گاه به امّ سلمه فرمود: وقتی این خاک به خون تازه تبدیل گردید، بدان که حسین کشته شده است. آن خاک نزد امّ سلمه بود (تا وقتی که حسین علیه السلام به عراق حرکت کرد)، امّ سلمه

1- تذکره الخواص، ص 259 و 260.

ص: 55

همواره در آن نظر می کرد، وقتی دید آن خاک تبدیل به خون شده، فریاد زد: «واحُسَیْناهُ! وا اِبْنَ رَسُولِ اللّه ِ!».

زن ها از هر سو بانگ شان به ناله بلند شد تا آن که مدینه پر از شیون و ضجّه گردید، به طوری که مانند آن هرگز شنیده نشده بود».[(1)](#content_note_55_1)

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 218 و 219؛ بعد از نوشتن این فصل، مقاله ای از دانشمند فیزیکدان «رابرت موریس پیچ» تحت عنوان «یک آزمون نتیجه بخش» در کتاب «اثبات خدا»، ص 25 به نظر رسید که وجود خدا را بر اساس پیشگویی های پیامبران اثبات نموده است. اگر این مرد دانشمند که دارای 37 اختراع ثبت شده است و موفق به دریافت جایزه های با ارزش علمی گردیده، از تاریخ اسلام و پیشگویی های پیغمبر و ائمّه علیهم السلام آگاهی داشت، ایمانش به خدا استوارتر می شد.